

بررسی موارد اشتراک و اختلاف فقه مذاهب خمس در حج بانوان

سیدعلی هاشمی خانباسی (نویسنده مسئول)^۱

خدیجه غفاری ساروی^۲

چکیده

بحث احکام اختصاصی زنان و بررسی تکالیف شرعی ایشان قدمتی هم تراز با تاریخ فقه و فقاہت دارد؛ با این همه کمتر در جایگاه موضوعی مستقل با رویکرد به احکام اختصاصی زنان در عبادات از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی و استخراج احکام اختصاصی ایشان در یک نوشتار بدان توجه شده است.

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و به شیوه پردازش اطلاعات توصیفی و تطبیقی به جمع‌آوری این احکام اقدام، و نظرات فقهای مذاهب خمس در این باره را گردآوری و مقایسه کرده است. در بحث عبادات، احکام خاصی برای بانوان وجود دارد که تمایزات گاهی به جهت حریم عفاف زنان و گاهی به دلیل تسهیل امر بر زنان یا متأثر از احکام خاص زنان است.

این پژوهش فقط به بررسی نقاط اشتراک و افتراق و شناخت آنها در باب حج از نگاه مذاهب فقهی خمس می‌پردازد. نتایج محتویات پژوهش حاکی از وجود تفاوت در احکام

۱. استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه،
a.hashemi1@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد، دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خواهران ساری، ایران،
a.hashemi1@sanru.ac.ir

شرعی زنان است؛ مثلاً در اموری مانند همراهی بانوان با یکی از محارم، احرام مستحاضه، استفاده از زیورآلات، استعمال حنا در حال احرام و طواف نساء افتراق دارند و در اموری دیگر مانند اجازه همسر در حج بانوان، احرام حائض و پوشیدن لباس دوخته با هم مشابهت دارند. نگارنده بر این باور است که فقهای شیعه و مذاهب اربعه در اصل احکام اختصاصی زنان در عبادات اتفاق نظر دارند و اختلاف آنها در جزئیات احکام حج است.

کلیدواژگان: اشتراک و اختلاف، فقه مذاهب خمس، حج، احکام اختصاصی بانوان.

مقدمه

بیان مسئله

شاخص‌ترین مذاهب رایج در شریعت اسلام پنج مذهب شیعه، حنفیه، شافعیه، مالکیه و حنبلیه است که مباحث مختلف اسلامی را رقم زده و مشهورترین مباحث میان آنها مباحث کلامی و فقهی است. اصولاً واکاوی و بررسی یک موضوع به روش مقایسه‌ای و مقارنه‌ای جاذبه ویژه‌ای دارد و مخاطبان و محققان را خسته و ملول نمی‌کند. بر این اساس مقاله حاضر با روش کتابخانه‌ای و به شیوه پردازش اطلاعات توصیفی و تطبیقی، و با هدف کاربردی احکام اختصاصی زن در مسئله حج، این مسئله را در دو تفکر فقهی شیعه و اهل سنت بررسی کرده است. مسئله حج هم جنبه فردی دارد و هم در حوزه سیاسی و اجتماعی کاربرد بسیار مؤثری دارد. در این موضوع، زنان افزون بر اینکه با مردان احکام مشترک دارند، احکام اختصاصی نیز دارند.

بنای نگارندگان (با گرایش وحدت‌گرایانه و تقویت تقریب مذاهب) بر این است که اشتراکات و افتراقات دو تفکر فقهی امامیه و اهل سنت را برشمارد و نتیجه بگیرد که افتراقات و اختلافات آنها در اصل عبادات است یا در جزئیات؟ چنانچه اختلاف در جزئیات باشد (که به نظر می‌رسد همین است)، در اصول و قواعد بنیادی چندان اختلافی وجود ندارد.

پیشینه موضوع تحقیق و ضرورت پرداختن به آن

پیشینه احکام اختصاصی زنان و بررسی حقوق و تکالیف شرعی ایشان قدمتی هم‌تراز با فقه و فقهات دارد. جمع‌آوری آرای فقهای اسلامی در مسائل مختلف فقهی در مجموعه‌ای مدون با موازنه یا بدون موازنه طی هزاره اول از دوره سید مرتضی علم‌الهدی، شیخ طوسی و دیگران آغاز شد و تاکنون نیز ادامه دارد. کتاب *الخلاف* شیخ طوسی مؤید این مدعاست. در دوره معاصر نیز فقهای امامیه دست به تألیفات متعددی زده‌اند که به فقه تطبیقی یا فقه مقارن شهرت یافته است. پس از انقلاب مراکز علمی حوزه و دانشگاه به منظور تحقق منویات بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی و خلف صالح و جانشین به حق ایشان، حضرت امام خامنه‌ای، به تألیف کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات درباره فقه تطبیقی از جمله کتاب *فقه تقارن و حضور بانوان در عبادت بزرگ حج* پرداخته‌اند.

بنابراین با توجه به کثرت موارد اختلافی در مسئله جزئی و تطبیق مصداقی بین شیعه و اهل سنت در موضوع حج می‌ارزد که در این موضوع تحقیق و پژوهش علمی صورت گیرد.

هدف پژوهش

هدف این پژوهش اولاً آشنایی پژوهشگران با فتاوی مشترک فقهای امامیه و اهل تسنن در مباحث کاربردی و مورد ابتلای حج است که غالباً دیدگاه‌های امامیه و بعضاً اهل تسنن به صورت اجماعی مطرح شده است؛ ثانیاً از نظر منابع، معرفی آرا و نظرات شخصیت‌های بزرگ و طراز اول در فقه امامیه است که خود از مؤسسان و بنیانگذاران تقریب مذاهب بوده که توسط دشمنان دین مورد هجوم تبلیغاتی قرار گرفته‌اند؛ مثل شیخ طوسی، شیخ مفید، سیدین، علامه و محقق و غیره که می‌تواند گام بزرگی در جهت ایجاد تفاهم و تقریب میان مذاهب به شمار آید؛ ثالثاً تعمد در ذکر منابع و پرداختن به مبانی و با نگاه به وزن منابع فقهای مذاهب خمس از جمله اهداف این پژوهش است.

مبانی و منابع فقه امامیه و اهل سنت

یکی از اختلاف‌های اصلی شیعه و سنی در منابع استنباط احکام اسلامی است. اهل سنت در کنار کتاب و سنت و اجماع، قیاس و استحسان و اجتهاد صحابه را نیز یکی از منابع اصلی شناخت و تعیین احکام برشمرده‌اند که منظور از اجتهاد، عمل به رأی است.

نزد شیعه و اهل بیت قرآن و سنت دو منبع اساسی احکام الهی است و قیاس و عمل به رأی و اجتهاد جایگاهی ندارد. اهل بیت علیهم‌السلام خود نیز حکمشان را به قرآن و سنت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مستند می‌کردند. به طور کلی به اعتقاد شیعه امامیه، هیچ کس جز نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حق تشریع، تفسیر و تبیین احکام الهی را ندارد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از طریق اتصال به منبع غیب از احکام الهی مطلع می‌شدند و مأمور به تبلیغ این احکام بودند. پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم طبق نص و تصریح ایشان ائمه علیهم‌السلام برای تبیین احکام الهی (و نه تشریع آن) منصوب شده‌اند. فرقه‌های عمده کلامی اهل سنت مانند اشعری، ماتریدی، وهابیت و اهل حدیث و فرقه زیدیه - از نظر فقهی سنی مذهب به شمار می‌آیند. در زیر به تفاوت‌های فقه شیعه و اهل تسنن اشاره می‌کنیم:

۱. اهل سنت از نظر فقهی چهار مذهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی دارد.^۱ پیروان اهل سنت در مسائل فقهی از این چهار مذهب پیروی می‌کند و هر چه را آنان گفته باشند و فتوا داده باشند بر خودشان حجت می‌دانند؛ اما شیعه در فقه از اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پیروی می‌کنند و گفته‌های آنان را بر خودشان حجت می‌دانند.
۲. در حوزه احکام فقهی، از نظر علمای علم اصول، اجتهاد بر دو نوع است: «اجتهاد مطلق» و «اجتهاد در مذهب خاص»؛ مثلاً هر گاه فردی در چهارچوب مسلک فقهی

۱. اما فرقه وهابیت از هیچ کدام اینها پیروی نمی‌کنند، بلکه مانند مسائل کلامی در فقه نیز از سلف صالح پیروی می‌کنند و این مذاهب چهارگانه را بدعت در دین می‌شمارند.

ابوحنیفه اجتهاد کند و نظر او را در مسئله‌ای به دست آورد این عمل را اجتهاد در مذهب می‌نامند؛ ولی هر گاه مجتهد به مسلک فرد معینی در فقه مقید نباشد و سعی خود را معطوف به فهم حکم خدا از ادله شرعی (خواه با مسلکی موافق باشد یا مخالف) کند به آن اجتهاد مطلق می‌گویند. (گرجی، ۱۳۷۹ش، ص ۸۴)

باب اجتهاد مطلق از سال ۶۶۵ هجری به روی علمای اهل سنت بسته شد و اجتهاد در چهارچوب مذاهب فقهی معین (حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی) محصور ماند. اما اجتهاد فقهای شیعه بر مبنای کتاب و سنت و اجماع و عقل، به جز ادله شرعی، قید و بند دیگری ندارد؛ لذا علمای این مذهب در پرتو این اجتهاد زنده و مستمر فقه جامع و سازگار با نیازهای گوناگون و متحول بشری پدید آورده و گنجینه علمی عظیمی فراهم ساخته‌اند. (سبحانی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۶۵ و ۲۶۶) بنابراین اهل سنت در احکام فقهی فقط در حوزه مذهبشان اجتهاد می‌کنند و نظر رئیس مذهبشان را به دست می‌آورند؛ اما شیعه هیچ قیدی را در اجتهاد احکام فقهی نمی‌پذیرد، بلکه حکم خدا را از ادله آن به دست می‌آورد. ۳. منابع و دلایل استنباط احکام تفاوت دیگر فقه شیعه و سایر مذاهب اهل تسنن است. در فقه شیعه قرآن، سنت (قول، فعل و تقریر پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام)، عقل و اجماع از منابع احکام فقهی به شمار می‌آید؛ اما در فقه اهل سنت قرآن، سنت (قول و فعل رسول خدا ﷺ)، اجماع، قیاس، استحسان، قول و فعل صحابه و تابعین، مصالح مرسله و سد ذرایع منابع احکام فقهی است و عقل در فقه اهل سنت اعتباری ندارد.

اشتراکات فقه مذاهب خمس در حج بانوان

۱. اجازه همسر

الف) فقهای امامیه

دیدگاه فقهای امامیه متناسب با دو قسم حج (واجب و مستحب) متفاوت است. فقهای شیعه درباره حج واجب یا حجة الاسلام بر دو قول‌اند:

۱. برخی فقهای امامیه - اعم از متقدمین (محقق حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۶)، متأخرین (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۳۱، ص ۳۱۴) و معاصرین (امام خمینی، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۲۲۸) - بر این باورند که خروج زن برای ادای اعمال واجب و در صورت ضرورت، نیازمند اذن همسر نیست؛ چراکه به جای آوردن حق الله جنبه تکلیفی دارد و صرفاً نیازمند شرایط عامه تکلیف است. بنابراین، این دسته از فقهای امامیه معتقدند در حج واجب مرد نمی تواند همسرش را از رفتن به حج بازدارد و به عبارت دیگر اذن زوج لازم نیست؛ چراکه اولاً حج واجب است و کسی حق ندارد فردی را از ادای واجبات منع کند و ثانیاً اصالت عدم سلطه حکم می کند که هیچ کس حق ممانعت از ادای واجبات را ندارد.

مؤید این مطلب روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام درباره زنی است که به دلیل عدم اذن همسرش هیچ گاه به حج نرفته بود. حضرت در پاسخ می فرمایند: «زن باید حج را به جای آورد، اگرچه شوهرش به او اذن ندهد». (حر عاملی، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۵۷)

۲. عده ای دیگر، مانند شهید اول و صاحب جواهر، عدم لزوم اذن زوج را به زمانی اختصاص داده اند که حج مضیق باشد؛ در غیر این صورت، یعنی زمانی که مهلت حج موسع باشد، اذن زوج لازم است و دلیل آنها این است که اخبار عدم لزوم اذن زوج، ظاهر در حج غیر موسع است و دلیلی بر ترجیح واجب موسع بر حق زوج، که مضیق است، نیست. (مظفر، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۳؛ شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۱۵) البته مستحب است که زن از همسر خود اجازه بگیرد و در صورت عدم اجازه زوج بدون اذن او حج بگذارد. درباره هزینه زن در حج واجب نظر شیخ طوسی این است:

زمانی که زن به اذن همسرش بخواهد حج واجب به جا بیاورد، به مقدار نفقه در شهرش، مرد باید به او بپردازد و بقیه مخارج بر عهده زن است. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۳۰)

البته فقهای دیگری نیز تصریح کرده اند به غیر از نفقه ای که مرد به زن در وطن می دهد،

مابقی هزینه‌ها در سفر بر عهده خود زن است و این نفقه در صورتی به زن تعلق می‌گیرد که یا سفر حج واجب باشد یا حج مستحبی همراه با اذن همسر؛ در غیر این صورت نفقه‌ای به زن تعلق نمی‌گیرد و نماز او هم در این سفر کامل است. (حلی، بی‌تا، ص ۲۲۱)

اما درباره حج مستحبی همه فقهای شیعه معتقدند اذن زوج لازم است. (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۱۵) علامه حلی فرموده که خلافی در این مسئله دیده نشده است. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۴۱۵) علت آن همان واجب بودن حق استمتاع مرد از زن است که با گزاردن حج مستحبی این حق از مرد گرفته می‌شود. (اردبیلی، ۱۳۷۹ش، ج ۶، ص ۱۰۳)

ب) فقهای اهل سنت

بیشتر علمای اهل سنت در این مسئله با شیعه هم عقیده‌اند؛ به گونه‌ای که جمهور علمای مالکیه، حنابله، اکثریت حنفیه و گروهی از شافعیه معتقدند مرد حق ندارد زن را از حج منع کند و زن هم نیازی به اذن شوهر ندارد؛ چون حجة الاسلام، مثل نماز و روزه، به اصل شرع واجب است، اگرچه اجازه گرفتن از شوهر مستحب است. البته از لحاظ هزینه‌های سفر فقط به مقدار نفقه در شهر بر مرد واجب است و مابقی بر عهده زن است. (رملی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۶۸) و اگر زن مستطیع باشد، ولی همسرش به او اجازه رفتن ندهد و زن فوت کند، باید از اموال او نیابتاً حج ادا شود و در این حالت زن گناهکار محسوب نمی‌شود. (جمعی از مؤلفین، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۲۶) درباره حج مستحبی نیز اهل تسنن قائل به وجوب اذن شوهرند. (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۲۴)

۲. اذن همسر در مطلقه رجعی

الف) دیدگاه فقهای شیعه

فقهای شیعه درباره زن مطلقه رجعی بر این عقیده‌اند که معتده رجعی در حکم زوجه است؛ به این معنا که در حج واجب نیاز به اجازه همسر ندارد، ولی در حج مستحب باید از همسرش اجازه بگیرد. (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۶۱)

ب) دیدگاه فقهای اهل تسنن

فقهای اهل سنت درباره حکم زن معتده دیدگاه واحدی ندارند. حنفیه، مالکیه و برخی حنابله معتقدند:

بانوانی که در عده طلاق رجعی هستند باید تا پایان مدت عده در خانه بمانند؛ چون آیه شریفه سوره طلاق عام است: ﴿... لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يُخْرِجَنَّ...﴾ (طلاق: ۱) و همه موارد حتی خروج برای حج را نیز شامل می‌شود. علاوه بر اینکه زوجیت در این عده همچنان برقرار است و زن اجازه خروج مکرر از منزل را ندارد، چه اینکه بخواهد سفر انجام دهد. (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۰۶) شافعیه نیز همین نظر را دارند، ولی این قید را زده‌اند که اگر زن احرام ببندد، دیگر اجازه محل شدن ندارد، مگر اینکه حاکم او را از ادامه سفر منع کند که در این صورت زن حکم فرد محصور را پیدا می‌کند. (نووی، بی تا، ج ۸، ص ۳۳۹-۳۴۱) برخی حنابله بر این باورند که مطلقه مرد حکم زوجه او را دارد و می‌تواند برای حج واجب، بدون اجازه همسر و برای حج مستحب، با اجازه همسر سفر کند. (ابن قدامه مقدسی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۲۳۲)

میقات

۳. احرام حائض و نفاس

الف) دیدگاه امامیه

فقهای شیعه معتقدند در احرام طهارت از حدث شرط نیست. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۱۳) لذا بانوانی که در دوره حیض و نفاس به سر می‌برند به هنگام ورود به میقات، باید وضو بگیرند، خود را پاکیزه کنند غسل کنند و از همان جا احرام ببندند، ولی نماز احرام را ترک کنند.

زن‌های حائض و نفساء اگر گمان کنند که در این ایام نمی‌توانند محرم شوند و بدون احرام از میقات عبور کنند، باید در صورت توان به میقات برگردند و از آنجا محرم شوند

و در صورت عدم امکان از همان جا محرم شوند و اگر داخل محدوده حرم شدند، به ادنی‌الحل بیرونند و از آنجا محرم شوند و باز با عدم امکان، احرام از همان مکان نیز کفایت می‌کند. (مکارم شیرازی، بی‌تا، فصل هشتم، میقات‌های احرام)

ب) دیدگاه فقهای اهل سنت

اهل تسنن درباره احرام بستن بانوان حائض و نفساء در میقات دو نظر دارند:

۱. فقهای مالکیه و ظاهراً حنفیه معتقدند بانوانی که عذر دارند، بهتر است با رسیدن به میقات خود را پاکیزه کرده، غسل کنند (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۲۷۴ و ۲۷۵) و محرم شوند و منتظر پاکی کامل نباشند؛ چراکه با احرام بستن، فرد در عبادت وارد می‌شود و این بر منتظر شدن جهت پاکی و احرام پس از آن ترجیح دارد. (خطاب، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۳۸)

۲. شافعیه و حنابله بر این باورند که بانوان معذور در صورت امید به پاک شدن پیش از خروج از میقات مستحب است غسل برای احرام را به تأخیر بیندازند و پس از پاک شدن احرام ببندند؛ چون این گونه احرام بستن کامل‌تر است؛ ولی اگر مانعی مانند رفتن کاروان وجود داشته یا فرد حتی بدون مانع در همان حال احرام بسته باشد، باز احرامش صحیح است و پرداخت فدیة لازم نیست. (انصاری، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۷۱)

۴. پوشاندن صورت

الف) فقهای امامیه

یکی از محرمات احرام برای بانوان پوشاندن صورت است. علامه حلی در این زمینه فرموده است: در این مسئله هیچ خلافتی میان علما ندیدم. (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۲۹۶) اما بنا بر نظر بیشتر فقهای آویزان کردن روسری به طور مطلق (طوسی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۳۲۱) یا تا انتهای بینی (همو، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۳۸) و حتی پایین‌تر از آن و نیز تا انتهای چانه اشکالی ندارد، به شرط اینکه روسری با صورت محرم برخورد نکند؛ چون با برخورد عمدی کفاره لازم می‌آید. (طوسی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۳۲۱)

علاوه بر اینکه گذاشتن دست بر صورت و همچنین خوابیدن روی صورت مصداق پوشاندن صورت نیست؛ حتی اطراف صورت که پوشاندن کامل سر بستگی به پوشاندن آن دارد از صورت مستثنا می شود و پوشاندن آن از حیث مقدمه علمی برای پوشاندن سر حرام نیست؛ چراکه رعایت پوشاندن قوی تر از رعایت باز گذاشتن است و حق نماز پیش از حق احرام است. نتیجه اینکه چون در نماز باید آن را بپوشاند، در احرام نیز باید بپوشاند. (شهید ثانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۳)

ب) دیدگاه فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت از دو مذهب شافعیه و حنابله همانند شیعه فتوا داده اند. (مقدادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۱۲؛ جزیری، ۱۴۲۴ ق، ج ۱، ص ۸۳۳) اما دو مذهب حنفیه و مالکیه پوشاندن صورت برای مرد و زن را در حال احرام حرام می دانند (مقدادی، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۱۲) و درباره پوشاندن صورت برای زنان می گویند: اگر بیگانه در حال نگاه کردن به اوست و یا آنکه زن زیبا باشد، جایز است صورت خود را بپوشاند. (همان، ص ۸۳۵-۸۳۶)

درباره نقاب زدن زن محرم نیز چندان تفاوتی میان مذاهب فقهی خمسّه نیست. همه فقهای شیعه نقاب زدن را برای بانوان محرم جایز نمی دانند. (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۱، ص ۳۲۰) همچنین اکثر فقها معتقدند پوشاندن صورت هنگام خواب برای بانوان اشکال ندارد. (امام خمینی، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۴۲۶)

بزرگان اهل تسنن درباره پوشاندن صورت برای بانوان محرم با چادر، روسری و نقاب دیدگاه مشابهی دارند. حنفیه معتقد است پوشاندن صورت اشکال دارد، ولی آنها می توانند چادر و مانند آن را از صورت خود آویزان کنند؛ به شکلی که با صورتشان برخورد نکند؛ چون با تماس پارچه به صورت، پوشاندن صورت حاصل می شود. استفاده از نقاب نیز کراهت دارد؛ چون با صورت برخورد می کند. (کاسانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۱۸۵) شافعیه و مالکیه با حنفیه هم نظرند. (شیرازی، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۲)

ابن قدامه در المغنی درباره نظر حنابله می‌گوید: به طور کلی می‌توان گفت پوشاندن صورت بر بانوان محرم حرام بوده؛ همان‌طور که پوشاندن سر بر مردان حرام است. (ابن رشد، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۹۲)

۵. پوشیدن لباس دوخته

الف) فقهای شیعه

بنا بر نظر بیشتر فقهای امامیه مانند شیخ مفید، علامه حلی و صاحب جواهر پوشیدن لباس دوخته برای بانوان در حال احرام، چه در حالت اختیار و چه اضطرار، جایز است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۹ق، «ب»، ج ۴، ص ۶۲؛ نجفی، ۱۳۶۲ش. ج ۱۸، ص ۳۴۰) و تنها قول مخالف در این باره نظر شیخ طوسی در المبسوط و النهایه است که احرام زنان را در لباس دوخته مانند مردان جایز نمی‌داند. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۲۰؛ همو، ۱۴۰۰ق، ص ۲۱۸)

ب) فقهای اهل سنت

جمهور علمای اهل تسنن پوشیدن لباس دوخته برای بانوان در حال احرام را بدون مانع و بلکه لازم می‌دانند و تحریم را تنها مخصوص مردان می‌شمارند. (مغنیه، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۲۱۷) بنا بر نظر ابن قدامه دلیل این قول عورت بودن زن و وجوب پوشش برای اوست و استفاده زن از پوشش ندوخته باعث کشف پوشش او می‌شود؛ به همین جهت لباس دوخته برای زنان مباح است. (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۳۰۳)

۶. پوشیدن جوراب و چکمه

الف) فقهای شیعه

بیشتر فقهای شیعه از جمله محدث بحرانی (بحرانی، ۱۳۶۹، ج ۱۵، ص ۴۴۴) و صاحب جواهر پوشیدن جوراب و چکمه را برای بانوان جایز دانسته‌اند و معتقدند روایات وارد شده در این زمینه فقط به مردان اختصاص دارد. (نجفی، ۱۳۶۲ش، ج ۱۸، ص ۳۵۰)

ب) فقهای عامه

فقهای چهارگانه اهل تسنن نیز در این باره اتفاق نظر دارند که پوشیدن جوراب و چکمه فقط برای مردان جایز نیست، ولی برای بانوان اشکالی ندارد. (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۴۸)

۷. پوشاندن سر

الف) فقهای امامیه

علمای امامیه بر این عقیده‌اند که پوشاندن سر برای بانوان در حال احرام اشکالی ندارد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۲) و برای تأیید این مطلب به اجماع بزرگان شیعه و روایات وارد شده در این باره استناد می‌کنند؛ مانند روایتی که زراره از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ قُلْتُ لَابِي جَعْفَرٍ عليه السلام: الرَّجُلُ الْمُحْرِمُ يُرِيدُ أَنْ يَتَّامَ يُعْطِي وَجْهَهُ مِنَ الدُّبَابِ قَالَ: نَعَمْ وَلَا يَحْتَمِرُ رَأْسُهُ وَالْمَرْأَةُ لَا بَأْسَ أَنْ تُغَطِّيَ وَجْهَهَا كُلَّهُ.

زاره می‌گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم مرد محرمی می‌خواهد بخوابد، ولی صورت خود را از مگس می‌پوشاند [آیا صحیح است؟] حضرت فرمودند: «بله، ولی سرش را نپوشاند و برای زن اشکالی ندارد که همه چهره خود را بپوشاند». (حر عاملی، بی تا، ج ۱۲، ص ۵۰۶)

ب) فقهای اهل سنت

همه فقهای اهل تسنن نیز پوشاندن سر را برای مردان در حالت احرام حرام، و برای زنان لازم شمردند (سرخسی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۷) دلیل آنها استناد به روایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است: «ان النبي صلی الله علیه و آله و سلم قال: إِحْرَامُ الرَّجُلِ فِي رَأْسِهِ، وَإِحْرَامُ الْمَرْأَةِ فِي وَجْهِهَا»؛ «احرام مرد در سر، و احرام زن در صورتش است». (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۲۹۹)

۸. استفاده از وسیله‌ای سایه‌گیر همانند سایه‌بان برای بانوان

الف) دیدگاه فقهای امامیه

همه فقهای شیعه معتقدند سایه گرفتن برای زنان اشکالی ندارد. صاحب جواهر در این زمینه می‌نویسد: سایه گرفتن برای بانوان بدون خلاف جایز است. (نجفی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱۸، ص ۴۰۵)

ب) دیدگاه فقهای اهل سنت

حنفیه و مالکیه بر این نظرند که برای محرم سایه گرفتن با درخت، خیمه، خانه، محمل و... جایز است؛ به این شرط که سایه‌بان به سر و صورت محرم برخورد نکند. (کاسانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۱۸۶)

شافعیه بر این باورند که سایه گرفتن و استظلال با موارد بالا و مانند آن در حالت ایستاده و نشسته حتی در صورت برخورد با شخص محرم مانعی ندارد؛ ولی اگر وسیله سایه‌گیر عرفاً مخصوص پوشاندن باشد (مانند عبا) و فرد محرم نیز از آن قصد پوشش داشته باشد، حرام است. (شیرازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹۱)

حنابله نیز معتقدند استظلال و سایه گرفتن با ملازم این امر، مانند محمل، حرام است و تفاوتی بین پیاده و سواره نیست؛ اما استظلال با غیر ملازم، مانند درخت و خیمه، جایز است و مانعی ندارد. (ابن قدامه، ۱۳۸۸ ق، ج ۳، ص ۲۸۶-۲۸۷)

بنابراین روشن می‌شود که اختلاف اهل تسنن در موضوع حرمت استظلال برای مردان است و برای بانوان در این باره منعی وجود ندارد.

۹. احکام طواف حائض و نفساء

الف) دیدگاه فقهای امامیه

همه فقهای شیعه معتقدند بانوان معذور به حیض و نفاس با استناد به اجماع علما اجازه ورود به مسجدالحرام و طواف در آن را ندارند. (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۶) به همین

جهت وظایف ایشان با زائران دیگر تفاوت دارد. این وظیفه بنا بر موسع بودن وقت یا عدم آن و عروض حیض پیش از طواف، در اثنا یا بعد آن متفاوت است.

ب) فقهای اهل سنت

همه فقهای اهل تسنن، غیر از تابعین ابوحنیفه و گروهی از حنابله، طهارت از حدث را در طواف شرط می‌دانند و طواف محدث را صحیح نمی‌دانند و قائل‌اند که طواف مانند نماز است؛ ولی حنفیه طهارت از حدث، مانند حیض و نفاس، را در جواز طواف شرط نمی‌شمارند و طواف بدون طهارت را نیز صحیح می‌دانند. (زحیلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۲۱۳-۲۲۱۹)

حنفیه معتقد است در صورتی که طهارت را از واجبات طواف بدانیم، طواف حائض و نفساء باید در زمان پاک شدن اعاده شود و در صورت عدم امکان چنین کاری، بر این شخص قربانی واجب می‌شود. (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۲۹)

شافعیه، مالکیه و حنابله نیز طهارت را در حال طواف واجب می‌دانند (نووی، بی‌تا، ج ۸، ص ۱۸؛ ابن رشد، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۰۹؛ حجاوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۳)

۱۰. هروله کردن

هروله کردن (آهسته دویدن) یکی از مستحبات سعی است که همه فقهای شیعه، چه گذشته (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۳۵-۱۳۶؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۰۷) و چه معاصر (امام خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۴۱۸)، بر مستحب بودن آن برای مردان و عدم استحباب آن بر بانوان اتفاق نظر دارند.

فاضل هندی برای اثبات مستحب نبودن هروله برای زنان در سعی به اصل منافات داشتن آن با قدرت بدنی و پوشش ایشان و روایات استناد کرده است. (فاضل هندی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۵-۱۶)

افتراقات فقهای امامیه و اهل سنت در مسئله حج بانوان

۱. همراهی یکی از محارم با بانوان

الف) نظر فقهای امامیه

بنا بر نظر متقدمین شیعه (موسوی علوی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۰۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۰۴) همراهی با محرم جزء شرایط استطاعت محسوب نمی شود و گمان غالب به امنیت راه و سلامت فرد با وجود دیگر شرایط، حج را بر زن واجب می کند. محقق سبزواری در این زمینه می فرماید: «در این مسئله خلافی ندیدم». (سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۴)

علامه حلی هم در این باره می فرماید:

حج با همان شرایطی که بر مردان واجب است بر زنان نیز واجب است، اگرچه همراه زن محرمی نباشد. همه علمای ما بر این مسئله تأکید کرده اند و علاوه بر ما مالکیه و شافعیه و برخی حنابله نیز این مطلب را قبول دارند. (علامه حلی،

۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۱۰۸)

ایشان سپس از آیه قرآن دلیل می آورد: «لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا». (آل عمران: ۹۷) این آیه شامل مردان و زنان می شود و برای بانوان شرطی بیشتر از مردان نیاورده است.

بنابراین در صورتی که راه امن باشد و حتی ظن قوی بر این مطلب باشد، وجود محرم لازم نیست؛ اما در صورتی که راه امن نباشد و فرد مطمئن هم پیدا نشود که همراه زن باشد و جان و مال و آبروی او در خطر باشد، وجود محرم شرط می شود.

نکته درخور توجه اینکه بر محرم واجب نیست مجانی یا حتی با گرفتن اجرت همراهی با زن را قبول کند و در صورت عدم قبول او زن مانند شخصی محسوب می شود که محرمی ندارد. در صورتی که محرم طلب اجرت کند، زن باید اجرت او را بدهد و در صورت عدم توانایی بر دادن اجرت مستطیع محسوب نمی شود. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۹۰ و ۹۱)

ب) نظر فقهای اهل سنت

اکثر علمای اهل تسنن وجود زوج یا محرم را در حج بانوان لازم دانسته‌اند و به نظر ایشان حج بانوان بدون همراهی محرم صحیح نیست.

مذهب حنفیه وجود محرم را در حج شرط وجوب می‌داند، (مولی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۶) به شرط اینکه مسیر تا مکه سه روز باشد؛ در غیر این صورت وجود محرم را لازم نمی‌داند؛ بنابراین پیروان حنفیه اگرچه همراهی محرم برای بانوان در سفر را لازم می‌دانند، اما معتقدند مسافت کمتر از سه روز سفر محسوب نمی‌شود. آنها جهت تأیید این نظر به روایتی از پیامبر ﷺ استناد کرده‌اند که حضرت فرمودند: زن سه روز سفر نمی‌کند، مگر اینکه محرمش یا همسرش همراه او باشد. (کاسانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ غیتابی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۴۹)

شافعیه وجوب حج بر زن را به شرط سفر کردن زن با یکی از این سه ذکر کردند: همسر یا محرم (نسبی یا رضاعی یا مصاهره‌ای) یا گروهی از بانوان مطمئن. (ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۶۳) البته عده‌ای از آنان معتقدند در صورتی که راه امن باشد، وجود یک زن دیگر کافی است. در قولی دیگر آمده است: در صورت امن بودن راه و نرفتن به خاطر ترس از خلوت مردی با آن زن جایز است بدون محرم و زن مطمئن سفر کند. این درباره حج واجب است؛ ولی در حج مستحبی، مانند سفرهای دیگر، وجود محرم یا همسر شرط است، اگرچه در اینجا نیز قول ضعیفی وجود دارد که قائل است همراهی با زنان مطمئن کفایت می‌کند. (همان)

نظر مالکیه مبنی بر اینکه در حج واجب لازم است زوج یا محرم یا گروهی از زنان یا مردان مطمئن زن را همراهی کنند شبیه شافعیه است. (عبید، ۱۴۰۶ق، ص ۳۳۵)

حنابله بر این باورند که وجود زوج یا محرمی که مکلف است در حج زن (اعم از زن جوان و پیر) لازم است. (عبدری، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۸۸) آنها معتقدند اگر زن بدون محرم حج بگذارد، کار حرامی انجام داده است، ولی از او کفایت می‌کند؛ البته زن در صورتی

مستطیع محسوب می شود که قادر باشد علاوه بر دادن اجرت مَحرم لوازم سفر او مانند زاد و راحله را فراهم کند. (هوتی، بی تا، ج ۲، ص ۳۹۵)

۲. طلاق بائن

الف) دیدگاه امامیه

طلاق بائن به این معناست که مرد پس از طلاق دادن شش گروه از بانوان، دیگر نمی تواند ابتدائاً با ایشان ازدواج کند: غیر مدخوله، سه طلاقه، مطلقه طلاق خلع، مطلقه طلاق مبارات، یائسه و صغیره (صغیره عده طلاق ندارد، ولی عده وفات دارد). برای این بانوان عده ای قرار داده نشده است. (طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۲۹ و ۳۳۰)

به همین جهت این گروه از بانوان می توانند حج مستحبی را بدون اذن همسر به جا آورند؛ چون سلطنت مرد بر زن در این نوع طلاق قطع شده و مرد برای زن حکم اجنبی دارد و اذنش اعتباری ندارد. این مطلب محل اتفاق همه علمای متقدم (حلی، بی تا، «د»، ص ۲۲۱؛ حلی، ۱۴۱۴ق، «الف»، ج ۸، ص ۸۹) و متأخر (امام خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۳۸۴) شیعه است.

ب) دیدگاه اهل سنت

فقه های اهل تسنن فقط غیر مدخوله و سه طلاقه را جزء این گروه از زنان به شمار می آورند؛ البته حنابله بدون شرط و شافعیه و مالکیه با شرط صغیره را نیز جزء این گروه محسوب کرده اند. (مغنیه، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۱۹، ۴۲۹ و ۴۳۰)

حنفیه، شافعیه، مالکیه و برخی از حنابله در مطلقه به طلاق بائن نیز خروج از منزل همسر حتی برای حج را تا تمام شدن مدت عده جایز نمی دانند و بر این باورند که زن در این مدت باید در منزل همسرش بماند. (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۲۰۶)

اما برخی دیگر از حنابله با شیعه هم عقیده اند و ماندن زن در خانه شوهر در عده طلاق بائن را لازم ندانسته اند و در مقام دلیل در این باره عدم سلطنت مرد بر زن را بیان کرده اند.

البته برخی قائلان این قول فقط به زن اجازه می دهند در منزل مستقلی سکنی کند و دیگر اجازه سفر کردن در این عده را به او نمی دهند. (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۲۳۲)

۳. احرام مستحاضه

الف) دیدگاه فقهای امامیه

فقهای امامیه معتقدند شخص مستحاضه با انجام احکام مربوط به سه قسم استحاضه حکم شخص پاک را پیدا می کند و باید به وظایف شخص پاک عمل کند؛ همان طور که پیامبر ﷺ به اسماء بنت عمیس پس از پایان زمان نفاسش دستور فرمودند که خود را پاکیزه کرده، غسل کند و اعمالش را انجام دهد. (حر عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۲)

ب) دیدگاه فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت زن مستحاضه را مانند مسلوس و مبطن شمرده اند که در بیشتر موارد عبادات مشروط به طهارت، برای او طهارت شرط نیست و صرفاً طهارت بدن و وضو کافی است؛ بنابراین نماز، روزه، قرائت قرآن، مکث در مسجد، اعتکاف، آمیزش جنسی و طلاق برای مستحاضه صحیح و جایز است؛ با این تفاوت که بنا بر مذهب امامیه بسیاری از این امور در صورتی جایز است که مستحاضه به وظیفه خود بر اساس اقسامی که دارد عمل کرده باشد. (عوایشه، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲۹۱ و ۲۹۲)

۴. پوشاندن قَفَازین

الف فقهای امامیه

«قَفَاز» در لغت به معنای چیزی است که بانوان عرب به وسیله آن انگشتان و کف دست خود را (برای جلوگیری از سرما) می پوشانند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۳۹۵)

بیشتر فقهای امامیه استفاده از قفازین را برای بانوان محرم جایز نمی دانند. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۲۰؛ حلی، ۱۴۱۷ق، «الف»، ج ۷، ص ۳۰۲)

ب) فقهای اهل سنت

حنفیه و گروهی از شافعیه معتقدند که استفاده از ققازین اشکال ندارد؛ (شمس الاثمه، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۲۸؛ شیرازی، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۲) ولی مالکیه بر آن اند که استفاده از ققازین بر بانوان حرام است و در صورت استفاده از آن باید فدیّه دهند. (حطاب، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۴۰) حنابلّه نیز موافق نظر مالکیه اند. (ابن قدامه ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۳۰۶)

۵. استفاده از زیورآلات

الف) دیدگاه فقهای امامیه

محدث بحرانی با توجه به روایات و ضمیمه کردن آنها به همدیگر حکم استفاده از زیورآلات را برای زنان محرم چنین بیان کرده است: در صورتی که بانوان با استفاده از زیور قصد زینت کردن داشته باشند، حرام محسوب می شود و در این زمینه تفاوتی بین دائمی و همیشگی بودن و یا گاهی بودن آن وجود ندارد؛ به شرط اینکه آن را برای کسی آشکار نکنند. (بحرانی، ۱۳۶۹ش، ج ۱۵، ص ۴۴۷)

ب) دیدگاه اهل سنت

فقهای اهل تسنن استفاده بانوان محرم از زیورآلات را صحیح دانسته اند (نوی، بی تا، ج ۷، ص ۲۵۰) و فقهای حنفیه در مقام دلیل در این باره به سخنی از عمر تکیه کرده اند که بانوان می توانند در حال احرام از زیورآلات استفاده کنند (شمس الاثمه، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۲۸)

۶. استعمال حنا

الف) دیدگاه فقهای امامیه

فقهای امامیه در مسئله استفاده کردن حنا برای بانوان محرم وحدت نظر ندارند. عده ای قائل به جواز، بعضی قائل به کراهت، و گروهی قائل به حرمت اند. شیخ طوسی معتقد است: در استفاده کردن از حنا اشکالی وجود ندارد، اگرچه ترک

آن بهتر است. (طوسی، ۱۳۶۵ ش، ج ۵، ص ۳۰۰)

علامه در مختلف معتقد است: حنا جزء محرمات است و زینت محسوب می شود.

(علامه حلی، «ب»، ۱۴۱۹ ق، ج ۴، ص ۷۶ و ۷۷)

ابی الصباح کنانی می گوید:

«سَأَلْتُهُ عَنِ امْرَأَةٍ خَافَتْ الشَّقَاقَ فَأَرَادَتْ أَنْ تُحْرِمَ هَلْ تَخْضِبُ يَدَهَا بِالْحِنَاءِ قَبْلَ ذَلِكَ؟
قَالَ مَا يُعْجِبُنِي أَنْ تَفْعَلَ ذَلِكَ»

از امام صادق علیه السلام در مورد زنی که ترس از ترک خوردن دستانش را داشت و قصد احرام نیز داشت سؤال کردم: آیا این زن می تواند قبل از احرام دستان خود را با حنا خضاب کند؟ حضرت فرمودند: «انجام این عمل برای من شگفت انگیز است». (طوسی، ۱۳۶۵ ش، ج ۵، ص ۳۰۰)

ب) دیدگاه فقهای اهل سنت

برخی از اهل تسنن حنا را جزء عطور محسوب کردند و به همین جهت در حکم استفاده از آن دچار اختلاف شدند.

حنفیه و مالکیه معتقدند استفاده از حنا برای بانوان محرم جایز نیست و بر این باورند که حنا به خاطر داشتن بوی خوش جزء عطور محسوب می شود و حرام است. (کاسانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۱۹۲)

شافعیه جواز استفاده از آن را روایت عبدالله بن دینار می دانند که گفته است: «برای بانوان مستحب است پیش از احرام حنا ببنند». (عمرانی، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۱۲۵)

۷. پوشیدن حریر

الف) فتوای فقهای امامیه

اکثر فقهای شیعه مانند شیخ مفید (۱۴۱۳ ق، ص ۳۵) و علامه حلی (۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۶۱) معتقدند پوشش بانوان از جنس حریر و ابریشم در مناسک حج جایز است.

ب) فتوای فقهای اهل سنت

مذاهب چهارگانه منعی در پوشیدن حریر برای بانوان ندارند و معتقدند بانوان می‌توانند از هر پوششی در احرام استفاده کنند، مگر نقاب و قفازین. (جزیری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۸۰؛ کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۶۸)

۸. طواف مستحاضه

الف) نظریه فقهای امامیه

همه فقهای امامیه معتقدند در صورتی که شخص مستحاضه وظایف مربوط به خود (غسل‌های واجب، وضو و پاکیزه ساختن خود) را انجام دهد، مانند شخص پاک اجازه ورود به مسجد الحرام و ادای طواف را دارد. (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۷۶)

ب) فقهای اهل سنت

اهل تسنن با توجه به اینکه شخص مستحاضه را مانند مسلوس و مبطن می‌دانند، معتقدند مستحاضه با انجام وظایف مخصوص به خودش در حکم فرد پاک است. (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۴۶)

۹. وقوف در مشعر الحرام

الف) فقهای امامیه

یکی از ارکان حج وقوف زائران در مشعر الحرام به همراه نیت در شب دهم ذی الحجه است که با ترک عمدی آن حج باطل می‌شود. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۲۸ - ۲۲۵)

علامه حلی درباره زمان وقوف در مشعر اظهار می‌دارد:

زمان وقوف اختیاری در مشعر از طلوع فجر تا طلوع خورشید روز دهم ذی الحجه است و زمان وقوف اضطراری آن بعد از طلوع خورشید تا ظهر (اضطراری نهاری) است. فقهای شیعه به زمان اضطراری دیگری نیز برای مشعر الحرام قائل شده‌اند و آن از شب

دهم ذی الحجه تا طلوع فجر (اضطراری لیلی) است. (طباطبائی، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۷)

همچنین برخی زمان وقوف اضطراری را از شب دهم تا ظهر دهم ذکر کرده اند.

افرادی هم هستند که از حضور تمام وقت در این مکان مستثنا شده اند و می توانند بخشی از این وقت را نیز در مکان حضور پیدا کنند؛ مانند افرادی که ترس از ازدحام پس از طلوع خورشید داشته باشند، کودکان، زنان، افراد ناتوان و افرادی که سرپرستی این نفرات را بر عهده دارند. همه فقها متفق اند که بر این افراد جایز است شب عید در مشعر (وقوف اضطراری لیلی) وقوف، و پیش از طلوع فجر به سمت منا حرکت کنند. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۳۶۸)

ب) فقهای اهل سنت

اهل تسنن نیز در وجوب وقوف در مشعرالحرام با شیعه هم عقیده اند؛ ولی وقوف در مشعرالحرام را جزء ارکان حج نمی دانند و قربانی کردن را در صورت ترک آن لازم می شمارند. (زحیلی، بی تا، ج ۳، ص ۲۲۴۵)

مبیت در مشعر فقط به نظر حنابله و قولی از شافعیه واجب است؛ ولی دیگران آن را مستحب می دانند. از نظر زمان نیز حنفیه زمان وقوف را از طلوع فجر تا طلوع خورشید می داند. (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۳۶) شافعیه به حضور در مشعر تا بعد از نیمه شب اکتفا کرده است. (خن، ۱۳۸۴ش، ج ۲، ص ۱۳۷) مالکیه حضور در قسمتی از شب تا طلوع فجر و اقامه نماز صبح را لازم می دانند. (انصاری، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۷۲) حنابله نیز معتقدند وجوب ماندن در مشعر، بعد از نیمه شب دهم است. (ابن ضویان، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۵۹)

۱۰. طواف زیارت و نماز طواف برای بانوان معذور

الف) دیدگاه فقهای امامیه

بنا بر نظر فقهای امامیه بر بانوان جایز است که طواف زیارت و نماز آن را در صورت ترس از حیض یا نفاس شدن بر وقوف ها مقدم کنند؛ اما اگر بانوان طواف خود را بر

وقوف‌ها مقدم نکرده باشند و در زمان ادای طواف زیارت به عذر شرعی حیض و نفاس معذور باشند، باید صبر کنند تا پاک شوند و طواف و نماز آن و ادامه اعمال را به جا آورند؛ ولی اگر به علت حرکت کاروان یا کم بودن وقت و پاک نشدن نتوانند طواف کنند، باید نایب بگیرند تا طواف زیارت و نماز آن را به نیابت از ایشان انجام دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ش، ص ۳۳۲)

ب) نظر اهل سنت

حنفیه در طواف، طهارت از حیض و نفاس را شرط نمی‌دانند.

شافعیه معتقد است اگر بانوان پیش از طواف زیارت حائض شوند، باید صبر کنند تا پاک شوند و سپس طواف به جا آورند و کوچ کنند. ایشان همچنین معتقدند بر کاروان واجب نیست که تا پاک شدن این زن صبر کند، بلکه می‌تواند حرکت کند و این زن پس از طواف به سمت دیار خود برمی‌گردد؛ چون بنا به روایت رسول اکرم صلی الله علیه و آله از ضرر رساندن نهی شده است و در ماندن کاروان برای این شخص ضرر وجود دارد. همان طور که اگر این زن به مرضی مبتلا می‌شد و بر کاروان واجب نبود صبر کند، الآن نیز وجوبی در به تأخیر انداختن حرکت کاروان وجود ندارد. (ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۱۴)

مالکیه بر این نظرند که حائض و نفساء به شرط امن بودن راه باید به وسیله ولی خود حبس شوند تا پاک شوند و سپس طواف انجام دهند؛ ولی اگر راه امن نباشد، این افراد به شهر خود برمی‌گردند و در حال احرام باقی می‌مانند تا در سال آینده طواف زیارت انجام دهند. (عبید، ۱۴۰۶ق، ص ۳۵۷) همچنین آنها معتقدند برای کاروان لازم است که تا پاک شدن این زن و ادای طوافش یعنی به مدت اکثر حیض صبر کند و سپس حرکت کند؛ چون در روایتی از ابی هریره آمده است: «ضرر و اضرار در اسلام نیست و کسی که ضرر برساند خداوند او را ضرر می‌رساند و کسی که سخت بگیرد خدا به او سخت می‌گیرد». (ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۱۴)

حنابله با استناد به حدیث صفیه مانندن شخص را تا زمان پاک شدن و ادای طواف زیارت لازم می‌دانند. (ابن قدامه، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۳۹۱)

۱۱. طواف نساء و نماز طواف نساء و احکام آن برای بانوان معذور

الف) نظریه فقهای امامیه

همه فقهای امامیه دهمین و یازدهمین عمل واجب در حج را طواف نساء و دو رکعت نماز آن می‌دانند. (فاضل هندی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۳۶)

فقهای امامیه بر اساس روایتی از حسین بن یقظین از امام کاظم علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۱۳) طواف نساء را برای همه حج‌گزاران، اعم از مرد و زن و کودک، واجب می‌دانند. بنا بر نظر فقهای معاصر شیعه هم این طواف و نماز آن از واجبات حج است و شرایط آن نیز شرایط طواف و نماز عمره تمتع است و با آن فرقی ندارد، مگر اینکه نیت این دو برای طواف است.

با اینکه این طواف واجب است، رکن محسوب نمی‌شود یا در صورت ترک عمدی آن حج باطل نمی‌شود و فقط پیش از ادای آن تحلیل صورت نمی‌گیرد.

بانوان نیز باید این طواف را پس از بازگشت از منا و ادای طواف زیارت و سعی انجام دهند؛ ولی در صورت ترس از حائض یا نفساء شدن باید زودتر آن را انجام دهند و بر وقوف‌ها مقدم سازند؛ اما در صورت عدم تقدیم این طواف بر وقوف‌ها و عارض شدن حیض در زمان ادای آن باید صبر کنند تا پاک شوند و طواف و نماز آن را به جای آورند؛ اما این افراد اگر به سبب حرکت کاروان و مانند آن نتوانند صبر کنند، لازمه احتیاط برای این طواف و نماز آن نایب گرفتن است، اگرچه پس از شوط چهارم محدث شده باشند. (امام خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۱۴۶؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۸)

ب) نظریه اهل سنت

علمای اهل تسنن بر عدم وجوب این طواف اتفاق نظر دارند. (محقق حلی، ۱۴۰۷ق،

ص ۳۵۳) ایشان جهت عدم وجوب این طواف به سخنی از عایشه ذیل حدیث نقل شده از پیامبر ﷺ اشاره کرده‌اند که فرموده است: «کسانی که در عمره وارد شدند، طواف و سعی به جا آوردند، سپس از احرام به در آمدند و آن‌گاه طوافی دیگر به جا آوردند»؛ (سجستانی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۱۹۲) در حالی که می‌بینیم در این روایت اشاره‌ای به طواف نساء نشده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به واکاوی‌ها در آثار فقه‌های مذاهب خمس دربار دیدگاه آنها در زمینه حج (علی‌رغم دیدگاهشان در مسئله نماز و روزه) موارد افتراقی بیش از موارد اشتراکی به چشم می‌خورد؛ مثلاً این دیدگاه‌ها در همراهی بانوان با یکی از محارم، احرام مستحاضه، استفاده از زیورآلات، استعمال حنا در حال احرام و طواف نساء افتراق دارند و در اجازه همسر در حج بانوان، احرام حائض و پوشیدن لباس دوخته مشابهت دارند.

با توجه به مطالعات و تحقیقات در متون فقهی و اصولی فقه‌های معظم اهل سنت به نظر می‌رسد منشأ این تفاوت‌ها به مبانی و منابع استنباط بازمی‌گردد؛ چراکه مبانی و منابع فقهی امامیه کتاب و سنت و اجماع و عقل است. امامیه آیات کتاب صامت را با آیات کتاب ناطق (چهارده حجت معصوم خداوند متعال) فهم می‌کند و از آن برای استنباط و استخراج احکام الهی بهره می‌برد؛ چنان‌که سنت را اولاً در سطح چهارده معصوم (علیهم‌السلام) تعمیم می‌دهد و ثانیاً متعلق و قلمرو آن را فعل، گفتار، رفتار و تقریر معصوم می‌داند؛ همچنین از اجماع آن‌گاه برای استناد حکم استنباطی استفاده می‌کند که به دنبال خود آرامش و اطمینان داشته باشد و آن حاصل نمی‌شود، مگر در صورتی که حجتی از حجج‌الله آن را تأیید کند و بپذیرد و درباره عقل حکم صادره از عقلی را می‌پذیرد و آن را سند استنباط و استخراج حکم قرار می‌دهد که از اوهام و شوائب مبرا باشد. نیز از قیاس آن‌گاه استفاده می‌کند که از پشتوانه روایات و عقل برخوردار باشد. بدین جهت تنها از قیاس منصوص‌العله و در صورت ضرورت از مستنبط‌العله بهره

می‌برد؛ در حالی که فقهای چهار مذهب معروف اهل سنت خود را محدود کردند و برای آزاد شدن از محدودیت‌ها ناچار به انواع قیاس و استحسانات تمسک جستند. اگر عقل فطری و روح ایمانی را قاضی قرار دهیم، به نظر می‌رسد که حکم به جامع خواهند داد.

منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر، ج ۱، قم، مؤسسة نظر الاسلامی.
۲. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸ق)، الوسيلة الى نيل الفضيلة، ج ۱، قم، مكتبة آيت الله العظمی مرعشی نجفی.
۳. ابن رشد، محمد بن احمد (۱۴۲۵ق)، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، ج ۱، قاهره، دار الحديث.
۴. ابن سعيد حلّی، یحیی بن سعید (بی‌تا)، الجامع للشرائع، قم، مؤسسة سيد الشهداء العلمية الجامع للشرائع.
۵. ابن ضویان، ابراهیم بن محمد (۱۴۰۹ق)، منار السبیل فی شرح الدلیل، ج ۱، قاهره، مكتب الاسلامی.
۶. ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد (۱۳۸۸ق)، المغنی لابن قدامه، ج ۱، قاهره، مكتبة قاهره.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
۸. ابو داوود سجستانی، سلیمان بن شعث (۱۴۰۳ق)، سنن ابی داوود، بیروت، دار الرسالة العالمیه.
۹. ----- (بی‌تا)، ابو داوود فی مراسله کما فی تحفة الاشراف للمزی، عمان، الدار القیمة.
۱۰. اردبیلی، احمد (۱۳۷۹ش)، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۱. انصاری سکینی، ذکریا بن محمد (۱۴۱۴ق)، فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، [بی‌جا] دار الفكر للطباعة والنشر.
۱۲. ----- (بی‌تا)، اسنی المطالب فی شرح روض الطالب، قم، دار الكتاب الاسلامی.
۱۳. بحرانی، یوسف (۱۳۶۹ش)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، چ ۱، قم، مؤسسة نشر الاسلامیه.
۱۴. بهوتی حنبلی، حسن بن ادریس (بی‌تا)، کشف القناع عن متن القناع، بی‌جا، دار الكتب العلمية.
۱۵. تیجانی، محمد (۱۳۷۴ش)، اهل سنت واقعی، چ ۲، قم، انتشارات معارف الاسلامی.

۱۶. جزیری، عبدالرحمان (۱۴۲۴ق)، الفقه على المذاهب الاربعة و مذهب اهل البيت، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۷. جمعی از مؤلفین (۱۴۱۴)، موسوعة فقهية كويتية، کویت: وزارت الاوقاف و شئون اسلامي.
۱۸. حجاوی، موسی بن احمد (بی تا)، الاقناع فی فقه الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار المعرفه.
۱۹. حر عاملی، محمد بن الحسن (بی تا)، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث.
۲۰. خطاب، محمد بن محمد (۱۴۱۲ق)، مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، بیروت، دار الفکر.
۲۱. خامنه ای، سید علی، (بی تا)، اجوبة الاستفتائات، [بی جا]، [بی نا].
۲۲. خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۳ش)، مناسک حج مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی (علیه السلام) و مراجع معظم تقلید، تهران، مشعر.
۲۳. ----- (۱۳۹۲ش)، تحریر الوسيلة، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و آثار امام خمینی.
۲۴. خن، مصطفی سعید و دیگران (۱۳۸۴ش)، الفقه المنهجی علی مذهب الامام الشافعی، ج ۴، تهران، احسان.
۲۵. رملی، شمس الدین (۱۴۰۴ق)، نهاية المحتاج، بیروت، دار الفکر.
۲۶. زحیلی، وهبة بن مصطفى (بی تا)، الفقه الإسلامی وادلته، ج ۱، دمشق، دار الفکر.
۲۷. سبحانی، جعفر (۱۳۷۶ش)، منطق شیعه، ج ۱، قم، مکتب اسلام.
۲۸. سبزواری، ملا محمد باقر (بی تا)، ذخيرة المعاد فی شرح الارشاد، قم، مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث.
۲۹. سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق)، المبسوط، بیروت، دار المعرفه.
۳۰. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ق)، ذکر الشیعة فی احکام الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت (علیه السلام).
۳۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی (بی تا)، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، [بی جا]، [بی نا].
۳۲. شیرازی، ابواسحق ابراهیم بن علی بن یوسف (بی تا)، المذهب فی فقه الامام شافعی، [بی جا] دار الکتب العلمیه.
۳۳. طباطبائی، سید علی (بی تا)، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث.
۳۴. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰ق)، المؤتلف من المختلف بین ائمة السلف، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.

۳۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴ش)، تهذیب الأحکام، تصحیح: سید حسن موسوی خراسانی، ج ۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. ----- (۱۳۶۵ش)، تهذیب الاحکام، تهران، فراهانی.
۳۸. ----- (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۳۹. ----- (۱۴۰۰ق)، النهایة، چاپ دوم، بیروت، [بی نا].
۴۰. عبدی غرناطی، محمد بن یوسف (۱۴۱۶ق)، التاج و الاکلیل لمختصر الخلیل، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴۱. عبید، الحاجه کوب (۱۴۰۶ق)، فقه العبادات علی مذاهب المالکی، دمشق، مطبعة الانشاء.
۴۲. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
۴۳. ----- (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
۴۴. ----- (۱۴۱۹ق «الف»)، مختلف الشيعة فی احکام الشريعة، قم، مكتبة نينوى الحديثه.
۴۵. ----- (۱۴۱۹ق «ب»)، نهاية الإحكام فی معرفة الأحکام، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۴۶. علم الهدی، علی بن حسین (۱۳۸۷ق)، جمل العلم والعمل، [بی جا]، [بی نا].
۴۷. عمرانى، یحیی بن ابی الخیر (۱۴۲۱ق)، البیان فی مذهب الامام الشافعی، جده، دار المنهاج.
۴۸. عوايشه، حسین بن عوده (۱۴۲۳ق)، الموسوعة الفقهية الميسرة فی فقه الكتاب و السنة المطهرة، ج ۱، بیروت، مكتبة الاسلامیه.
۴۹. غیتابی، محمود بن احمد (۱۴۲۰ق)، البناية شرح الهدایة، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵۰. فاضل هندی، محمد بن حسن (بی تا)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، قم، مؤسسة نشر الإسلامی جامعه مدرسين قم.
۵۱. کاسانی حنفی، ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۶ق)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، لبنان، دار الکتب العلمیه.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۵۳. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۹ش)، تاریخ فقه و فقهها، ج ۳، تهران، سمت.
۵۴. گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۳ق)، احکام و آداب حج، قم، دار القرآن الکریم.

۵۵. ماوردی، علی بن محمد (۱۴۱۹ق)، الحاوی الکبیر، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵۶. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۵۷. محقق حلی، جعفر بن الحسن (۱۴۱۰ق)، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، طهران، قسم الدراسات الاسلامیه فی مؤسسة البعثة.
۵۸. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن جعفر بن الحسن (۱۴۰۷ق)، المعبر فی شرح المختصر، قم، مؤسسة سیدالشهدا.
۵۹. ----- (۱۴۰۸ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، قم، مؤسسة اسماعیلیه.
۶۰. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰ش)، اصول فقه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۶۱. معوض، علی محمد و عادل احمد، عبدالموجود (۱۴۲۰ق)، تاریخ التشريع الاسلامی، ج ۱، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۶۲. معین، محمد (۱۳۸۶ش)، فرهنگ معین، به اهتمام عزّالله علی زاده، ج ۲، تهران، ثامن.
۶۳. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۸۵ق)، الفقه علی المذاهب الخمسة، قم، شریعت.
۶۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، مصنفات الشیخ مفید، احکام النساء، قم، المؤتمر العالمی الالفیه الشیخ المفید.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، فصل هشتم، میقات های احرام، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم شیرازی، makarem.ir.
۶۶. ----- (۱۳۸۴ش)، مناسک جامع حج، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۶۷. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم (بی تا)، منهاج الصالحین، [بی جا]، مؤسسة الخوئی الاسلامیه.
۶۸. مولی، محمد بن فرامرز (بی تا)، درر الاحکام فی شرح غرر الاحکام، بیروت، دار الاحیاء الکتب العربیه.
۶۹. نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۳۶۲ق)، جواهر الکلام، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۷۰. النووی، یحیی بن شرف (بی تا)، المجموع شرح المذهب «مع تکملة السبکی و المطیعی»، بیروت، دار الفکر.



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی